

استراتژی محوری «چپ»

م. رازی

Razi@kargar.org

نیروهای «چپ»^۱، با مشاهده تحولات اخیر ایران، عموماً به فکر یافتن راه حل‌هایی برای متشکل کردن خود برای مداخله در جنبش کارگری افتاده‌اند. بار دیگر مسئله «اتحاد» بین آنها طرح شده و تدارکاتی در این راستا آغاز شده است. ظهور «اطلاعیه»های مشترک با نام چند سازمان و حزب در انتهای آن، و تشکیل «میز گرد»ها و «سمینارها»ی مشترک، نمایانگر روند تدارک «همسویی» و نهایتاً ائتلاف‌های آتی میان آنها می‌تواند قلمداد شود. این امر به خودی خود نمی‌تواند ایرادی داشته باشد و می‌تواند گزینه تمام نیروهای و افراد طیف «چپ» را بازتاب کند. بدیهی است که «اتحاد»ها و همسویی‌های نیروهای چپ سوسیالیستی کارگری، خود از نیاز جنبش کارگری بر خاسته و می‌تواند تأثیرات مطلوبی در درون طبقه کارگر بگذارد. اما، پیش از تدارک برای چنین روندی بایستی چند نکته اساسی مورد توجه و اجرا قرار گیرد.

بقیه در صفحه ۲

^۱ - در این مقاله روی سخن ما با نیروهایی که «حزب» و «سازمان» خود را اعلام کرده و از سایرین طلب می‌کنند که به آنها بپیوندند، نیست (در این موارد رجوع شود به نقد گروه‌های موجود در <http://www.kargar.org/naghdpage.htm>). ————— منظور گروه‌هایی هستند که یا مدهاست در انزوای سیاسی بسر برده و یا پس از انشعابات و تجزیه‌های اخیرشان اکنون به فکر «یارگیری»های نوین افتاده‌اند.

دو نوع «مبارزه» انتخاباتی

با نزدیک تر شدن موعد انتخابات ریاست جمهوری (۱۸ خرداد)، طی هفته پیش ما شاهد دو روش از مبارزه انتخاباتی در سطح جامعه بوده ایم: تشدید دعواهای درونی هیئت حاکم به منظور استحکام موقعیتشان؛ و مبارزه کارگران برای بهبود وضعیتشان.

رژیم با دستگیر کردن چندین نفر از فعالان «نهضت آزادی» (معروف به نیروهای ملی-مذهبی) و متهم کردن آنان به «براندازی»، قصد دارد که هم مستقیماً مخالفان خود را مرعوب کرده و هم «زهر چشمی» از «اصلاح طلبان» بگیرد. باند «تمامیت خواه» با این اقدام به «اصلاح طلبان» هشدار داده که «اگر دست از پا خطا کنند» سرنوشتی مشابه «ملی - مذهبیون» در انتظار آنها خواهد بود. با این عمل باند «راست» به خاتمی اخطار می‌دهد که چنانچه کاندیداتوری خود را اعلام کند بایستی از این عناصر فاصله گرفته و در مسیری بسیار نزدیک تر به باند «راست» گام بردارد. در عین حال، رژیم با این اقدامات توجه کل جامعه را به مسایل انتخاباتی خود جلب کرده و در حال ترسیم و تحمیل مرزها و سیاستهای خود است. در این میان متأسفانه بخش وسیعی از اپوزیسیون نیز سمت و سوی فعالیتهای خود را معطوف به این موضوع کرده و انرژی اصلی خود را به جای تبلیغ و کمک رسانی به جبهه مستقل کارگران و جوانان، به زمین بازی رژیم کشانده شده‌اند. بقیه در ص ۳

کارگران آفریقای جنوبی

صفحه ۶

استراتژی محوری «چپ»

از صفحه ۱

اول، تجربه حد اقل دو دهه نیروهای «چپ» نشان داده است که «اتحاد» ها و «وحدت» هایی که به صورت مستقیم و ارگانیک در پیوند با جنبش کارگری (بطور اعم) و پیشروی کارگری (بطور اخص) صورت نگرفته باشد، از ابتدا محکوم به شکست است. بدون ارزیابی موقعیت کنونی طبقه کارگر و نیازهای مشخص آن، هر گونه «همسویی» تشکیلاتی در نهایت به نقض آن، یعنی تفرقه بیشتر و ایجاد مسایل نوین دیگر منجر می گردد. «وحدت» ها و «همسویی» ها نمی تواند بصورت تصنعی و «از بالا» توسط چند گروه و حزب صورت گرفته و سپس به جنبش کارگری و سایرین تحمیل گردد (روشی که تا کنون سازمانهای سنتی اتخاذ کرده اند). این قبیل کارها در بهترین حالت تقلید کردن گروههای سنتی موجود؛ و در بدترین حالت (پس از دوره ای) دلسرد کردن و به رخوت کشاندن فعالان همان سازمانها و احزاب است.

اگر قرار باشد مجدداً یک گروه «دیگر» به شکل «کاریکاتور» گروههای سنتی بوجود آید، آیا بهتر نیست که اعضای گروههای موجود به همان گروههای سنتی بپیوندند! اگر اختلافات شخصی و تشکیلاتی به کنار گذاشته شود، واقعاً اختلافات «منشعبیون» و «مستعفیون» از سازمان و حزبهای سابق خود، در چه بوده است؟ آیا اختلاف برنامه ای کیفی وجود داشته است؟ آیا اختلافات تشکیلاتی عمیق در روش و جهت گیری موجود بوده است؟ بدیهی است که پاسخ به این سؤالات منفی است. زیرا این جریانها نیز کماکان همان بحث های پیش را به رنگ و لعاب «نوین» (و گاهی حتی راست تر از گذشته) طرح کرده و کم و بیش در صدد پایه ریزی همان نوع از تشکیلات هستند (با چهره های جدید). برآستی چه علتی برای تکرار این کارها وجود دارد؟ مگر جنبش کارگری در ایران با کمبود «سازمان» و «حزب» خارج از کشوری مواجه است؟ مگر نمایندگان

کارگران پیشروی ایران از اعضای سابق سازمانهای سنتی چنین درخواستی کرده اند؟ چنانچه «کادرها» و «اعضای سابق سازمانهای سنتی تمایل به خدمت کردن به طبقه کارگر را دارند، آیا بهتر نیست که همراه با آنها به چنین اقداماتی دست زنند؟ سازمانها و احزاب «قیم مآب» به اندازه کافی وجود دارند. ایجاد یک و یا چند حزب دیگر راه حل نیست!

دوم، یکی از مسایلی که جنبش کارگری و نیروهای «چپ» بدان نیاز دارد، برخورد ریشه ای به تمام مسایل نظری و تئوریک گذشته است. در محور این مسایل، بحث و تبادل نظر در مورد همان مسئله «حزب سازی» است! آیا واقعاً یک نیروی کمونیستی می تواند بدون بررسی ریشه ای مسایل نظری جنبش کارگری در سطح بین المللی و حداقل تکامل مسایل اساسی آن میان پیشروی کارگری و «چپ» انقلابی، اقدام به تشکیل «حزب کمونیست» و «حزب کارگری» کند؟ احزابی که بدون کوچکترین آشنایی ی ابتدایی با مسایل مشخص جنبش کارگری در دو دهه پیش (و تجارب نظری دو قرن جنبش کارگری)، به نیابت از کارگران اقدام به تشکیل حزب کارگری کرده، مسلماً در تحولات و تندبادهای آتی سیاسی به کجراه خواهند رفت. تدارک بحث و تبادل نظر، توافق برنامه ای و تکامل نظریات تئوریک، چیزی نیست که تنها با انتشار نشریات و کتب خاتمه یافته اعلام شود و سپس بر محور آن «حزب» و یا «وحدت» اعلام گردد. این موارد بایستی بصورت جمعی و در سطح جنبش کارگری همراه با مداخلات در درون پیشروی کارگری صورت پذیرد. در غیر اینصورت تنها یک برخورد آکادمیکی و «از بالا» و بی ارتباط به جنبش کارگری خواهد بود.

نقش «روشنفکران» انقلابی این نیست که در اطاق های در بسته به «کشف» تئوری های جنبش کارگری پرداخته و آن را سپس به سایرین ارائه دهند. نقش آنها پاسخگویی به مسایل ویژه کارگران است. مسایل ویژه ای که کارگران پیشرو را در مبارزه روزمرشان گام به گام به سوی ایجاد یک حکومت کارگری به دست خودشان، رهنمود دهد. این

تکامل و تبادل نظریات را با افراد جدی سازمان داد. سازمان و احزاب غیر سنتی بایستی به تدریج خود را برای الحاق به پیشروی کارگری از طریق انحلال گروههای «خود ساخته» و نا مرتبط به جنبش کارگری، آماده کنند. منافع هیچ گروه و سازمانی کمونیستی فراتر از نیازهای مشخص موجود پیشروی کارگری نیست. کارگران پیشرو در دوره آتی در مقام سازماندهی کل طبقه کارگر قرار خواهند گرفت. به وجود آوردن تسهیلات نظری، مادی و معنوی بر دوش گرایش ها و گروههایی است که خود را مدافع کارگران معرفی می کنند. ساختن گروههای «نوین» بی ارتباط به مسایل پیشروی کارگری نه تنها کمکی به این امر نمی کند بلکه روند سازمانیابی پیشروی کارگری را کند و نهایتاً مسدود می کند.

بیست و دو فروردین هزار و سیصد و هشتاد

دو نوع «مبارزه» انتخاباتی

از صفحه ۱

در مقابل این «مبارزه انتخاباتی»، مبارزه دیگری در سطح جامعه در شرف وقوع است. آنهم مبارزه کارگران برای دستیابی به حقوق پایه ای خود است. برای نمونه در ۲۲ فروردین حدود ۴۰۰ کارگر کارخانه پارچه بافی شهید فرصتیان شیراز در مقابل این کارخانه (خیابان برق) تجمع کرده و مطالبات خود را طرح کردند. در این کارخانه طی ۲ سال گذشته حدود ۴۳۰ کارگر بیکار شده اند. کارگران که در چند سال گذشته تنها متکی بر دریافت بیمه بیکاری بوده اند، اکثراً این مزایای را در سال جاری از دست خواهند داد. همچنین ۵۰۰ تن از کارگران کفش شادان پور در جاده قدیم کرج، به علت عدم دریافت ۹ ماه حقوق و دیگر مزایا، دست به اعتراض زدند. همزمان ۵۰۰ نفر از کارگران قراردادی دانشگاه علوم پزشکی خراسان؛ و کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه به علت کسری

کار شدنی نیست مگر فعالیت مستمر و مستقیم در درون قشر پیشروی کارگری.

سوم، استراتژی ساختن حزب کارگری امروز به یکی از مسایل اساسی پیشروی کارگری و طیف «چپ» تبدیل شده است. زیرا امروز در آستانه تحولات نوین کارگری در ایران، پیشروی کارگری فاقد یک حزب سیاسی است. حزبی که بتواند به صورت متشکل و روزمره در درون کل طبقه فعالیت داشته و زمینه ی لازم را برای آماده کردن کل طبقه برای به دست گرفتن سرنوشت خود به دست خود آماده سازد. حزبی که قادر باشد به مسایل مشخص روز کارگران پاسخ واقعی دهد. یعنی حزبی متشکل از برجسته ترین، فعال ترین رهبران عملی طبقه کارگر. چنین حزبی امروز وجود ندارد! چنین حزبی باید تشکیل گردد! اما بدون بحث و تبادل نظر جمعی و آزمایش نظریات تکامل یافته شده در درون طبقه کارگر، ساختن یک حزب و گروه سیاسی به نام طبقه کارگر و با نام کمونیسم، یک عمل غیر اصولی و نا مرتبط به جنبش کارگری است.

نیروهایی «چپ» هنوز بحث ها و تبادل نظریات اولیه را در مورد مسایل دیگر تئوریک جنبش کارگری انجام نداده اند. بحثهایی در مورد مفهوم سوسیالیسم، مفهوم انقلاب کارگری، مفهوم امپریالیسم و مفهوم برنامه انقلابی از دیگر مواردی است که منطبق با نیازهای پیشروی کارگری است بایستی پیش از تشکیل و اعلام یک حزب کارگری بر سر آنها بحث و توافق های عمومی حاصل آید. محققاً کسانی که این بحثها و تبادل نظریات اولیه را با یکدیگر نکرده باشند و اعتباری در درون طبقه کارگر نداشته باشند، و به تشکیل حزب مبادرت کرده باشند، در نخستین تحولات اجتماعی بر سر مسایل تاکتیکی و جزئی، کارشان به انشعاب و تفرقه خواهد کشید. البته شایان ذکر است که توافقات برنامه ای و نظری صرف، تضمین کننده ایجاد یک حزب کارگری نیست بلکه این توافقات نظری باید در بستر دخالتگری در درون طبقه کارگر قرار داشته باشد.

تحت چنین شرایطی است که باید با بردباری و بدون فرقه گرایی روند کار مشترک در درون پیشروی کارگری و

تفسیر هفته رادیو روشنگران

تهیه و تنظیم: سمر همایونی، رنوا راسخ

۲۴ فروردین ۱۳۸۰

تجمع اعتراضی کارگران کفش شادان پور

کارگران شرکت کفش شادان پور بعلت عدم پرداخت ۹ ماه حقوق و دیگر مزایا در روز یکشنبه ۱۹ فروردین در مقابل شرکت فوق در خیابان مهرآباد - جاده قدیم کرج، تجمع کردند. این کارگران که تعداد آنها به ۴۰۰ نفر می رسید بمدت ۲ ساعت، خیابان مجاور شرکت را مسدود کردند. یکی از اعضای شورای کارگری این شرکت بنام بهروز حیدرخانی گفت: ۴۷۵ نفر از کارگران این شرکت بدلیل پرداخت نشدن حقوق و مزایای خود در 'بن مدت طولانی، با مشکلات عدیده ای برای تامین معاش خانوادهای خود مواجه شده اند. شایان الذکر است، شرکت کفش شادان پور در سال ۷۸ در جریان خصوصی سازها از بنیاد مستضعفان و جانبازان جدا و به بخش خصوصی تحویل داده شد. (کیهان شماره ۱۷۰۵۷ مورخه ۲۰ فروردین ۱۳۸۰)

تجمع کشاورزان اصفهانی

در روزهای یکشنبه و دوشنبه (۱۸ و ۱۹ فروردین) قریب بر ۵۰۰ نفر از کشاورزان شهر اصفهان در مقابل استانداری این شهر تجمع کردند و خواستار رسیدگی به مشکلات خود منجمله نبود آب کشاورزی شدند.

تجمع اعتراضی کارکنان اتوبوسرانی و بازیافت خرم آباد

تعدادی از کارکنان سازمانهای اتوبوسرانی و بازیافت خرم آباد) هریک با ۱۰ تا ۲۰ سال سابقه خدمت، در مقابل استانداری لرستان و شهرداری اجتماع کردند. این افراد علت اقدام اعتراض آمیز خود را نپرداختن حقوق و مزایا اعلام کردند. آنها گفتند که هرکدام ما بین ۵ تا ۱۰ نفر عایله داریم و از آن جا که مسئولان ما را از کار منع و حقوق و مزایایمان را پرداخت نکرده اند و به حرفمان نیز گوش نمی دهند، از شرم ناتوانی در تامین معاش افراد تحت تکفل، قادر به بازگشت به منزل نیستیم. کارکنان

حقوق اسفند ماه؛ و همچنین ۵۰۰۰ تن از کارگران کشاورزی اصفهان (۱۹ و ۲۰ فروردین) به علت نبود آب کشاورزی؛ دست به اعتراض های گسترده زدند.

تظاهرات و اعتراض های کارگری در هفته پیش نشانگر این واقعیت است که کارگران و زحمتکشان مسایل خود را از مسایل رژیم جدا می پندارند. تبلیغات انتخاباتی اصلاح طلبان چنان وانمود می کند که اکثریت مردم ایران گوش به فرمان آنها نشسته تا به محض آنکه آقای خاتمی زدوبندهای پشت پرده با باند «راست» را به اتمام برساند و خود را کاندیدا کند مجدداً به او رأی خواهند داد (مطبوعات اصلاحات طلبان اعلام کرده اند که اگر این روزها انتخابات صورت گیرد، ۸۳ درصد مردم تهران به خاتمی رأی خواهد داد!). اما، اعتراض های کارگری هفته پیش نشان داد که مسئله مردم ایران انتخابات ریاست جمهوری نیست! مردم ایران آرای خود را چهار سال پیش به خاتمی دادند و کارنامه او صددرصد منفی بوده است. مسئله کارگران ایران اخذ حقوق عقب افتاده شان و بهبود وضعیت رفاهی شان است. مطالبات آنها مبنی بر افزایش های دستمزدها متناسب با تورم، باز کردن دفاتر دخل و خرج و کسب حقوق عقب افتاده در محور توجه آنها قرار گرفته است. شرکت یا عدم شرکت آنها در انتخابات کوچکترین تأثیری در این امر نمی گذارد.

رادیو روشنگران هر جمعه ساعت ۸

شب به وقت اروپا بصورت زنده پخش

می گردد

<http://www.kargar.org/Roshangaran.htm>

پایین سیکل و سنی بالای ۴۰ سال دارند بر طبق قانون سازمان برنامه ریزی بکار گرفته خواهند شد. (روزنامه جمهوری اسلامی شماره ۶۳۱۵)

تجمع اعتراضی کارگران پارچه بافی فرصتیان در شیراز

در حدود ۴۰۰ نفر از کارگران پارچه بافی فرصتیان شیراز، روز چهارشنبه ۲۹ فروردین در مقابل این کارخانه در خیابان برق این شهر تجمع کردند و خواستار رسیدگی به خواسته‌های صنفی خود شدند. این کارخانه که تا سال ۷۷ فعالیت داشت و روزانه ۱۴ عدل پارچه تولید می کرد بدلیل مشکلات مالی تعطیل شده و ۴۳۰ نفر از کارگران این کارخانه از آن سال تاکنون بیکار شده اند. نماینده کارگران در گفتگو با خبرنگار ایرنا گفت: کارگران در ۳ و نیم گذشته بیکار بوده و تنها بیمه بیکاری دریافت کرده اند که در فروردین ماه جاری ۹۰ درصد آنان بیمه بیکاری دریافت نخواهند کرد. این کارگران اعلام داشتند تا تحقق خواسته های خود که دریافت بیمه بیکاری و رسیدگی به مشکلات مالی خویش است به تجمع ادامه خواهند داد. (ایرنا ۲۲ فروردین ۱۳۸۰)

تجمع اعتراضی مردم لامرد در مقابل مجلس ارتجاع

تعداد زیادی از مردم لامرد در روز چهارشنبه ۲۹ فروردین در مقابل مجلس اسلامی تجمع کرده و به تغییر محل ساخت پالایشگاه گاز پارسیان لامرد اعتراض کردند. مردم لامرد در روزهای پیشتر در مقابل ساختمان ریاست جمهوری و سازمان بازرسی کل کشور نیز اجتماع کرده بودند. (ایرنا ۲۲ فروردین ۱۳۸۰)

قتلهای زنچیره ایی زنان خیابانی در مشهد و بجنورد

در طی ۹ ماه گذشته قریب به ۱۱ زن در مشهد و بین سالهای ۷۷ تا ۷۸، هفت زن در بجنورد به روشهای مشابه کشته شده اند. این زنان در گروههای سنی ۲۷ تا ۵۵ سال قرار داشته و تمامی بوسیله قاتلان خفه شده اند. اجساد عموماً در کانالهای آب، خیابانها و محله های خاکی حومه شهر مشهد، کشف شده اند. (روزنامه ایران مورخه ۲۳ فروردین ۱۳۸۰)

شرکت واحد خرم آباد اضافه کردند که سالهاست که حق لباس دریافت نکرده اند و نزدیک به یکسال حق بیمه آنان کسر شده اما به سازمان بیمه پرداخت نشده است که موجب بروز مشکلات در امر درمان آنان شده است. بر اساس همین گزارش بر اثر ممانعت از ادامه کار این رانندگان شرکت واحد، بسیاری از اتوبوسهای این شرکت در پارکینگ خوابیده و حمل و نقل مسافر در سطح شهر خرم آباد مرکز استان لرستان با مشکل و نابسامانی مضاعف مواجه شده است. (کیهان شماره ۱۷۰۵۷ مورخه ۲۰ فروردین ۱۳۸۰)

تجمع اعتراضی کارکنان شرکت واحد تهران

کارکنان شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه در اعتراض به کسر یک روز حقوق اسفندماه خود در سه شنبه ۲۱ فروردین در مقابل ساختمان حزب اسلامی رفاه کارگران تجمع کردند. یکی از نمایندگان کارگران شرکت واحد گفت: در یک اقدام بی سابقه حقوق یک روزه بیش از ۱۰ هزار نفر از کارکنان را که بالغ بر دهها میلیون تومان بود، از آنان کسر و به حساب صندوق حزب خانه کارگر واریز کرده اند. این در حالی است که کارگران قبل از فرا رسیدن سال ۸۰ طی یک نامه ی اعتراضی و امضای آن خواستار باز گرداندن حقوق حقه خود شده بودند. این نماینده کارگران اضافه کرد که تعدادی از کارگران به جهت ترس و به خطر افتادن امنیت شعلی خود به ناچار از حق خود صرف نظر کرده و امضای خود را پس گرفتند و تعدادی نیز خواستار رسیدگی و احقاق حقوق خود شدند. (ایسنا ۱۰ - ۴ - ۲۰۰۱)

تجمع اعتراضی کارگران دانشگاه علوم پزشکی خراسان

در حدود ۵۰۰ نفر از کارگران بخش خرید دانشگاه علوم پزشکی خراسان در یک تجمع اعتراضی، خواستار عدم واگذاری این نیروها به بخش خصوصی شدند. یکی از کارگران در مصاحبه با خبرنگار روزنامه جمهوری اسلامی گفت: مدت ۱۵ سال است که بصورت قراردادی به امید رسمی شدن با حقوق ناچیز در این دانشگاه کار می کنیم و حال که هنگام بازنشستگی من است این وضعیت روبرو شدم و نمی دانم چه آینده ای در انتظار من است. این کارگر ستمدیده افزود: بعد از این مدت خدمت، حال می خواهد کلیه مزایای شامل حال من را از بین ببرند. به طبق اظهارات دکتر بحرینی معاون این دانشگاه، کارگرانی که مدرکی

مصاحبه با یک کارگر کارخانجات فولکس واگن در آفریقای جنوبی

«شرایط کاری ما اکنون بدتر از دوران آپارتاید شده است.»

بینیزیل مزکو، یکی از ۱۳۰۰ کارگری است که کارخانجات ماشین سازی فولکس واگن آفریقای جنوبی اخیراً اخراج کرده است. او توضیح می دهد که کارگران به این دلیل دست به اعتصاب زدند که می خواستند علیه بیرون انداختن نمایندگان کارگران از اتحادیه اعتراض کنند. نمایندگان این کارگران از ۱۳ کارخانه، در سال گذشته بوسیله کارگران انتخاب شده بودند.

بینیزیل مزکو، به عنوان نماینده این کارگران در مصاحبه زیر شرکت کرده است.

س. وضعیت کنونی در رابطه با کشمکش و بحث با مسئولان فولکس واگن چیست؟

ج. بدنبال اخراج یکسوم از نیروی کار، تولید کارخانه ۱۰ درصد افت نمود و بخش رنگرزی و بدنه سازی کارخانه کاملاً خوابید. در اصل قصد مدیریت از تعطیل این بخشها بمدت ۲ یا ۳ ماه این بود که از امکانات برای آموزش افرادی که قرار بود اعتصاب شکن باشند، استفاده شود. وقتی این خبر پخش شد، کارگرانی که شاغل بودند، تصمیم گرفتند که افراد جدید را که بجای کارگران اخراجی آمده بودند، آموزش ندهند. در نتیجه آن، مدیریت مربوطه پیشنهاد را بی سروصدا و مسکوت گذاشت. آنها از پشتیبانی و اتحاد بین کارگران شاغل و اخراجی و از حمایت کارگران سایر کارخانجات آن محدوده می هراسیدند.

س. چه بسر کارگران بیکار آمده است؟

ج. اکنون دو ماه می شود که ما کار نداشته ایم. در پایان ماه مارس قرار بود یک جلسه از طرف کمیسیون صلح برای حل و فصل اختلافات ترتیب داده شود. در این جلسه بنا بود تا هر دو طرف موقعیت و خواسته های خود را ارائه دهند. اما مدیریت کارخانه از قبول این پیشنهاد از طرف کمیته صلح، سر باز زد و اکنون قرار است که ملاقات به روز ۵ آوریل موکول گردد.

س. دلیل اصلی اختلاف چه بود؟

ج. در درجه اول اختلافی بود که درون خود اتحادیه پیش آمد. اتحادیه ما «اتحادیه سراسری کارگران فلزکار آفریقای جنوبی»، مقام نمایندگان ۱۳ کارخانه را از آنها گرفته و سپس آنها را از اتحادیه بیرون انداخت. اینها کسانی بودند که ما سال پیش بعنوان نماینده انتخاب کردیم، چون نمایندگان قبلی، در مقابل مدیریت همه گونه سرفروود آورده بودند. کارگران اعتراض توده ای براه انداختند و در نتیجه آن، نمایندگان ما به کار خود در اتحادیه بازگشتند. اما بعد از کمی، آنان را در سمتشان معلق گذاشتند، زیرا که این ۱۳ تن کارگر مبارز در برابر سیاست رهبری اتحادیه ایستاده بودند و رهبری را به دور شدن از نقش خود در اتحادیه و پنهانی نزدیکتر و نزدیکتر شدن به مدیریت کارخانه، متهم کرده بودند. رهبری اتحادیه با مدیریت کارخانه نشست داشته و بدون گوش کردن به نظرات کارگران و کارگران مبارز کارخانه با مدیریت به توافقهایی رسیده بودند.

س. محتوای این توافق بین اتحادیه و مدیریت کارخانه چه بود؟ ج. شامل خراب تر شدن وضعیت کارگران در موارد بسیاری است که در عین حال باعث حفظ منافع کارخانه در سطح رقابت با رقبایش در داخل کشور می گردد. در توافقنامه آمده که روزهای کار در هفته دوباره به ۶ روز بازگشته و از وقت استراحت روزانه کارگران نیم ساعت کاسته شده و حق انتخاب زمان مرخصی کارگر از آنها گرفته شده و کارگر مجبور است زمان تعیین شده برای مرخصی را بپذیرد. بطور کلی باید گفت که وضعیت کارگران اکنون از زمان رژیم آپارتاید بدتر شده است. س. می توانید یک مثال مشخص بزنید؟

ج. البته. معمولاً کارگری که روز یکشنبه کار می کرد، دو برابر حقوق می گرفت. اما حالا دو ساعت از شیفت یکشنبه، یعنی از ساعت ۲۲ تا ۲۴ جزو ساعات کار معمولی بشمار می آید. به این ترتیب، ۲ ساعت دستمزد از کارگران ربوده می شود.

در گذشته، معمول بود که هر کارگری یکربع قبل از پایان وقت کاری روزانه، دست از کار می کشید تا بتواند دوش گرفته و لباس عوض کند. حالا این یکربع را به نفع خط تولید از کارگران گرفته اند. چنین وضعیتی در گذشته در مورد کارگران خط تولیدات صادراتی وجود داشت و وضعیت کاری را بر آنها دشوارتر می ساخت. حالا در تمام کارخانجات این قانون اجرا می شود.

روز ۲۰ ژانویه، نمایندگان ما بایستی برای تخلیه دفاتر خود به محل می رفتند.

س. اتحادیه شما در کارخانجات فولکس واگن چند عضو دارد؟
ج. پیش از این اختلاف تعداد اعضاء به ۴۵۰۰ نفر می رسید که در واقع حدود کل نیروی کار می شد. حالا قسمت بزرگی از این تعداد اتحادیه را ترک کرده اند. ترک اتحادیه بمنظور یافتن امکان برای داشتن وکیل بوده است.
س. آیا از جانب بزرگترین اتحادیه صنعتی آلمان بازتابی صورت گرفته است؟

ج. تا کنون آنان از اعلام موضع خویش خودداری کرده اند. رئیس کمیته اتحادیه جهانی کارگران فولکس واگن، «هانس اول» در همان روزهای نخستین اختلاف، سه روز به آفریقای جنوبی آمد. در آن سه روز، او با ما حرف نزد و بجای آن با مدیریت کارخانه صحبت کرد و از آنها خواست تا با ما جلسه ای بگذارند که البته در جو آنروزها مدیریت خواهش او را نپذیرفت. او بعد از سه روز و بدون هیچگونه حرفی با ما، به آلمان بازگشت.
نامه های همقطاران آلمانی ما را هم کمیته پاسخ نداده است. بجای آن، دکتر شوستر نماینده فولکس واگن به این نامه ها رسیدگی کرده است.

س. تا کنون نمایندگان کارگران اخراجی چه اقداماتی کرده اند؟
ج. در اوائل ماه مارس، کارگران کارخانجات فولکس واگن، دو نماینده به جلسه کمیته جهانی اتحادیه های کارگری در برزیل فرستادند. اما «اول» رئیس کمیته و دستیار او، «فولکرت» حتی حاضر نشدند که مسئله آفریقای جنوبی را در دستور کار خود بگذارند. این در حالی است که یکی از کالج های آفریقای جنوبی به این کمیته تعلق دارد. در خواستهای همقطاران برزیلی ما در مورد گنجاندن مسئله آفریقای جنوبی هم از طرف رئیس کمیته در شد. اما بعد از آن جلسه ای غیر رسمی با «اول» برای دو تن از رفقای ما ترتیب داده شد. در این نشست غیر رسمی رفقای ما بجای آنکه احساس کنند که دارند با یک همکار خود صحبت می کنند، احساس می کردند که «اول» در واقع نماینده فولکس واگن می باشد. هیچ فرقی در رفتارش در مقایسه با مدیریت کارخانه نبود. این جریان مرا به یاد تجربه خود من با او انداخت. ما با او جلسه ای در ماه اکتبر سال گذشته هم داشتیم. پس از مدتی گوش دادن به حرفهای او، من به او گفتم که دارد وقت ما را تلف می کند و مانند نماینده مدیریت با ما حرف می زند.
س. آیا از رفتار دولت در این مورد متعجب هستید؟

تغییر دیگر در رابطه با تعطیلات عید نوئل و سال نوی مسیحی می باشد. در گذشته بعلت اهمیت این تعطیلات در فرهنگ و کشور ما از روز ۱۱ دسامبر تعطیلات رسمی آغاز می شد.

حالا مدیریت خواهان شروع تعطیلات در درروز ۲۳ یا ۲۴ دسامبر است و در این رابطه نمایندگان قبلی کارگران زیر چنین قراردادی را مطابق خواسته مدیریت امضاء کرده بودند، ولی ما خبر این موضوع را از طریق روزنامه ها دریافت کردیم.
س. شما در باره پشتیبانی سایر کارگران صحبت کردید، آیا گروه های دیگری هم هستند که شما را حمایت می کنند؟

ج. خیر! حمایت در داخل کشور فقط از جانب محله ها، مردم و اتحادیه های کوچک که زیر چتر سازمانهای بزرگتر نیستند، می آید. درست قبل از سفر من به آلمان، دو تن از کارگران مبارز ماشین سازی توپوتا، از دو منطقه دیگر به کارخانه ما آمدند. آنها از جانب کارگران فرستاده شده بودند تا از نزدیک با جریانات آشنا شوند.

ما از جانب دولت یا سازمانهای وابسته چیزی نشنیده ایم. نه حتی از «آت ث»، فدراسیون اتحادیه های کارگری یا حزب کمونیست. خیلی از منشی های این اتحادیه ها، حالا جزو وزرای کابینه دولت هستند. برای آنها اتحادیه های کارگری صرفاً سکوی پرتابی بود برای رسیدن به موقعیتهای اجتماعی شخصی خودشان.

انتقاد کنندگان اتحادیه های کارگری یا اخراج شده و یا تنبیه می کردند.

س. منظور شما از این حرف چیست؟

ج. وقتی شرکتی برعلیه کارگزارانش اقدامی می کند، باید یک سری قوانین را رعایت کند، مثل تشکیل دادگاه اولیه و مقرراتی که شامل اتحادیه ها نمی شود.

در ماه ژانویه گذشته، این اتحادیه بود که علیه کارگران اقدام کرد تا بتواند نمایندگان کارگران اپوزیسیون را از مراکز خود بیرون اندازد. باین منظور، اتحادیه برای روز ۱۷ ژانویه برای اعضاء فراخوانی فرستاد. همزمان با آن جلسه ای بود برای گرفتن وام جهت تهیه روپوش بچه های مدرسه ای کارگران. به دلیل اهمیت موضوع برای خانواده های کارگری و با توجه به اینکه اتحادیه موضوع جلسه را تعیین نکرده بود، حدود ۵۰ نفر بیشتر در آن جلسه حضور نیافتند. بعداً ما متوجه شدیم که منشی اول اتحادیه در این جلسه حضور داشته و دستور معلق گذاشتن سمت نمایندگان ما را صادر کرده است.

پیدا کردن بسیار مشکل شده است. حتی کارگران جوان هم مطمئناً در این مورد هم نظر هستند. تجمع از ۳ نفر بیشتر ممنوع است، در غیر این صورت مفهوم جلسه پیدا می کند. سه کارگر جوان در کارخانجات فولکس واگن تا کنون به همین دلیل اخراج شده اند. دو کارگر هم در رهبری کمیته پشتیبانی کارگری در کارخانجات فولکس واگن فوراً اخراج گشتند. آنها برای فولکس واگن کار نمی کردند، آنها در استخدام «گودیر» و «استاندارد ملی» بودند. شرکتها در برابر کارگران با هم متحد می شوند. ما کارگران هم باید با هم متحد شویم.

مقاله از: خبرنگاران WSWS - ترجمه سارا قاضی

آوریل ۲۰۰۰

عمل کارگری شماره ۱۲ (انگلیسی)

<http://www.kargar.org/english.htm>

سردبیر: مراد شیرین

در باره تحریم انتخابات م. رازی

قیام مردم لامرد

اخبار

خط فقر کجاست؟ مراد شیرین

پناهندگان

حزب کمونیست کارگری مقاله اتحادیه را سانسور می کند!

کمپین دفاعی

ج. بلی. با پایان رژیم آپارتاید و انجام انتخابات برای روی کار آمدن دولت جدید، دولتی که ما برآستی به آن رأی دادیم، ما امید زیادی داشتیم که وضع بهتر شود. بجای آن چه در کارخانجات فولکس واگن و چه در سطح کشور ما مورد حملات شدیدتر کارفرمایان قرار گرفته ایم. اختلاف ما با رهبری اتحادیه هم از همین جا آغاز گردید. اتحادیه ها هیچگونه اقدامی در برابر این حملات نکرده و حتی به بدتر شدن شرایط هم توافق کرده بودند. این مسائل همان اوائل ماه ژوئیه سال پیش شروع شده و دولت جدید برای دخالت وقت بسیار داشته است. اما اصلاً دخالت نکرد. مسئولان دولت در عوض اطلاعات خود را یک جانبه کسب می کردند، یعنی از طریق اتحادیه.

بهبود اندکی را هم که ما توانسته بودیم در دوره آپارتاید بطور تدریجی کسب نماییم، اکنون از ما گرفته اند. دستمزدها و شرایط کاری در کارخانجات فولکس واگن، اکنون بدتر از دوره آپارتاید می باشد.

س. برخورد حزب کمونیست چگونه بوده است؟

ج. بخشی از دولت ائتلافی کنونی را حزب کمونیست تشکیل می دهد. آنها هم در این مورد کاملاً سکوت اختیار کرده اند. ما انتظار یک پاسخ از جانب آنها را داشتیم، اما هیچ خبری نشد. من شخصاً بسیار مأیوس شدم. منشی اول حزب، سال گذشته به دیدن ما آمد. مدیریت کارخانه نمی خواست که او وارد بخش کاری بشود. کارگران بلافاصله تهدید به اعتصاب می کردند و بر اثر این تهدید، او اجازه ورود به محل کارگری را گرفت. ولی اینهم به دوران قبل از انتخابات برمی گردد.

در آفریقای جنوبی یک تبلیغ در مورد یک نوع شکلات هست. در این تبلیغ، دو دوست با هم نشسته اند و یکی این قطعه شکلات را در دست دارد. آن دیگری از او کمی شکلات می خواهد. این یکی می گوید: «دوستی امان را خراب نکن!» این دقیقاً مثل وضعیت ما در این کشور است. ما اکنون پا از گلیم خود پا فراتر گذاشته ایم و در این مسیر است که دوستان خود را میبایم.

س. آیا برای شنوندگان بین المللی خود مطلبی دارید؟

ج. فقط می خواهم بگویم که پشتیبانی بین المللی در این زمان برای ما بیش از هر زمان دیگر اهمیت دارد. اوضاع همه چیز در آفریقای جنوبی در حال حاضر بسیار بدتر شده است. بیکاری در سطح توده کشور گسترش یافته است. چند موقعیت شغلی بوجود آمده، مثلاً استخدام چند کارگر جدید، اما اینها کارگران جوان و مجرد هستند. برای کارگرهای قدیمی وضع بدتر و بدتر و کار

صدای کارگر سوسیالیست

<http://www.kargar.org/Radio.htm>